

در برخی موارد عده‌ای با انتشار مواد بودار غیررسمی قصد ایجاد آشوب و برهم زدن نظم را داشتند که بازداشت و تحویل مقامات قضایی شدند.
سعی در کار نیست | ناشی از هیستری جمعی است؛



وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران درخصوص مسمومیت های مدارس این کشور بیانیه ای منتشر کرد.
به گزارش اسپادانا خبر، در این بیانیه آمده است:

باسمه تعالی

در پی حوادث و اغتشاشات پاییز گذشته، گزارش‌هایی از بدحالی دانش‌آموزان در برخی مدارس کشور واصل شد و به تدریج روندی صعودی به خود گرفت. موضوع قابل تأمل از آغاز اتفاقات این بود که نسبتی معکوس بین فروکش نمودن تدریجی اغتشاشات موصوف و بالا گرفتن شتابان رویدادهای منجر به اعلام بدحالی دانش‌آموزان وجود داشت. این موضوع، به‌ویژه با عنایت به جامعه‌ی هدف (نوجوانان و کودکان معصوم)، از همان ابتدا توجه خاص ریاست محترم جمهوری را جلب کرد و بلافاصله دستورات مؤکدی به وزارت‌خانه‌های کشور، اطلاعات، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش صادر کردند. پی‌گیری‌ها تحت مدیریت وزیر محترم کشور آغاز شد. وزارت اطلاعات نیز با تمرکز فزاینده بر موضوع، بدون اعلام عمومی (که موجب نگرانی جامعه یا هوشیاری عوامل احتمالی اتفاقات شود) همه‌ی توان اطلاعاتی، امنیتی، فنی، عملیاتی و آزمایشگاهی خود را برای کشف علل و عوامل، بسیج نمود. مشابه همین توجه و تمرکز از سوی سایر دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی کشور اعمال شد.

در بدو مأموریت، چهار مجهول پیش روی افسران اطلاعاتی این وزارت‌خانه قرار گرفت: چیستی موادی که موجب بدحالی دانش‌آموزان شده‌اند؛ عوامل انسانی یا فنی اقدامات؛ شبکه‌ای که توانایی اقدام در گستره‌ای وسیع را دارا باشد؛ در غیر موارد ذکر شده، چه علل و عوامل دیگری موجب رویدادهای مورد بحث شده‌اند؟

به‌این ترتیب یکی از حساس‌ترین و دشوارترین مأموریت‌های سال گذشته‌ی سربازان گمنام امام زمان (عج) آغاز شد. اینک با جمع‌آوری اطلاعات موثق و مصادیق فراوان از گسترده‌ترین عملیات رصد و پایش اطلاعاتی - امنیتی کشور و با مطالعات علمی و تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، نتیجه‌ی نهایی مجموعه‌ی تحقیقات را به استحضار ملت شریف ایران می‌رساند:

1- اولین گزارش اعلام مسمومیت در تاریخ 15 آبان ماه 1401 از شهرستان نور استان مازندران به ثبت رسیده است. پس از آن و در تاریخ 9 آذرماه 1401، گزارشی مشابه از یکی از هنرستان‌های دخترانه‌ی استان قم داده شد و متعاقب آن، گزارشاتی غالباً همانند در ماه‌های آذر، بهمن و اسفند به ثبت می‌رسند. از اوایل اسفند ماه، موضوع به سایر استان‌ها تسری می‌یابد و گزارشاتی مشابه از استان‌های دیگر واصل می‌شود. این گزارش‌ها تا هشتم اسفند ماه 1401 رشدی با آهنگ ملایم و گاهی با رشد منفی همراه بود. اما از هشتم اسفند، با رشدی فزاینده مواجه می‌شود و نهایتاً در چهاردهم اسفند به اوج خود می‌رسد.

در تاریخ پانزدهم اسفند، رهبر حکیم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) موضعی آشکار، صریح و قاطع در قبال موضوع اتخاذ

فرمودند. [1] بیانات معظم‌له، از سویی تمرکز بیش از پیش دستگاه‌ها بر موضوع را در پی داشت و از سوی دیگر موجب حضور آشکارتر نیروهای حافظ امنیت در پیرامون محیط‌های آموزشی شد. طبیعی بود که همزمان شدن این عوامل با پایان اسفند ماه و تعطیلی مدارس، برای مدتی غائله را خاموش نماید. پس از بازگشایی مدارس در سال 1402، به طور جسته و گریخته گزارش‌هایی از ادعای مسمومیت منتشر شدند که البته محدود و کم‌رنگ‌تر از پیش بودند.

2- در مقطعی که ادعاهای بدحالی روند صعودی داشتند و به موازات افزایش این قبیل گزارشات، ورود دستگاه‌های مختلف ذی‌ربط به موضوع نیز افزایش و تمرکز بر ابعاد آن عمق بیشتری می‌یافت. به تدریج بررسی و چاره‌اندیشی برای وقایع اعلام شده از دستگاه‌های مرتبط منطقه‌ای به شورای تأمین شهر و شهرستان و استان؛ و در مرحله‌ی بعدی به شورای امنیت کشور و نهایتاً به شورای عالی امنیت ملی کشور کشیده شد. در تمام آن مقطع گزارش اقدامات، بررسی‌ها و یافته‌ها علاوه بر شوراهای پیش‌گفته، به استحضار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و ریاست محترم جمهوری و دیگر سران قوا می‌رسید و دستورات آن مقامات مبتنی بر اولویت دادن به موضوع و گسترش و تعمیق اقدامات پیشگیرانه به اجرا گذاشته می‌شد.

3- نوع رصد و پایش‌های اعمال شده از نخستین روزها، بسیار متنوع و فراگیر بود و با گذشت زمان، با گسترش اقدامات در سطح، واکاوی هر چه بیشتر در عمق، پایش دقیق‌تر پشت صحنه‌ها، هم‌افزایی دستگاه‌ها و تقسیم کار و انجام اقدامات مشترک و ترکیبی فزاینده، همراه می‌شد. روش‌ها و ابزار اطلاعاتی، امنیتی، فنی، انتظامی و آزمایشگاهی متعدد، متنوع و گوناگون به کار گرفته شدند. علاوه بر بررسی‌های معطوف به صحنه‌ها و نمونه‌ها، به‌طور همزمان با تحت نظر داشتن کانون‌ها و سوزده‌های مظنون، و گستردن تورهای متعدد امنیتی و پایش‌های متنوع فنی، تصویری و جمع‌آوری‌های تخصصی اطلاعاتی از محیط‌های هدف، هرگونه احتمال هر چند کوچک و ناچیز مورد رصد قرار می‌گرفت. در مورد نمونه‌ها، همزمان با بررسی نمونه‌ی مواد مکشوفه در آزمایشگاه‌های معتبر کشور و وزارت بهداشت و درمان، همان نمونه‌ها در آزمایشگاه‌های ویژه‌ی وزارت خانه‌های اطلاعات و دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مورد واکاوی قرار می‌گرفتند.

4- علل و عوامل کشف شده در ایجاد یا احساس بدحالی در آموزشگاه‌ها:

در پی عملیات همه‌جانبه‌ی فوق‌الشاره، به‌طور متوالی علل بسیاری از رویدادها کشف و ثابت می‌شد که علّت‌ها نه از گونه‌های پیچیده، و مواد استفاده شده نه از انواع سموم، بلکه غالباً مواد، ابزار و انگیزه‌های بسیار بسیطی موجب بروز ادعاهای بدحالی شده بودند. با این حال و برای حصول اطمینان تام، چنان یافته‌هایی به سایر مصادیق گزارش شده تعمیم داده نمی‌شد بلکه هر گزارش، به‌طور جداگانه و جدی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال نتیجه‌ی بررسی اولین حادثه‌ی اعلام شده (شهرستان نور) حاکی بود که یکی از دانش‌آموزان دختر، با هدف به تعطیلی کشاندن آموزشگاه، گاز فلفل در کلاس درس منتشر کرده بود. از همین دست نتایج پیرامون حوادث اعلام شده‌ی بعدی نیز حاصل می‌شد.

کلاً در ایجاد یا القای بدحالی در آموزشگاه‌های مختلف کشور 5 دسته از عوامل کشف شدند که ذیل به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

1/4- بمبک بدبو: بخشی از موارد گزارش شده مربوط به استفاده از عاملی است که به «بمبک بدبو» معروف شده است. این عامل که در بازار و به‌ویژه در سکوها‌ی خرید و فروش اینترنتی به فراوانی وجود داشت، پس از استعمال در محیط‌ها موجب پراکندن بوی نامطبوعی می‌شود و معمولاً برای شوخی و تفریح‌های ناسالم و نامتعارف مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.

در بررسی بازار خرید و فروش آن مشخص شد که در بازه زمانی حدوداً سه ماهه، سیصد نفر اقدام به خرید آن کرده بودند که بلافاصله کار شناسایی خریداران مورد بحث آغاز، غالب آن‌ها شناسایی و افرادی که با کاربست آن‌ها، موجب ایجاد هراس شده بودند بازداشت شدند.

2/4- از دیگر موارد تعمّدی، بهره‌برداری از افشانه‌های اشک‌آور و گاز فلفل و نظایر آن در محیط‌های آموزشی به قصد شیطنت، بازگوشی، دیگرآزاری و تعطیل نمودن کلاس‌ها بوده است. در این قبیل موارد نیز با کشف قوطی‌های افشانه و بازداشت عوامل استعمال آن‌ها، التهاب در محیط آموزشی فروکش کرده است.

3/4- در موارد متعددی وجود یک عامل بودار در محیط یا اطراف آن موجب ایجاد هراس شده است. از جمله مصادیق کشف شده که موجب گزارش به اورژانس، آتش‌نشانی، پلیس و حتی انتقال به درمانگاه شده عبارتند از: پرکردن گاز خودرو با روش‌های دستی و غیراستاندارد، قطع و وصل گاز شهری و نشستی مقداری گاز در محیط، آتش زدن ضایعات در زمین کنار مدرسه و انتشار دود در حیاط آن، استفاده از حشره‌کش، پارک نمودن تانکر حامل ته مانده‌ی نفتا کنار یکی از دبیرستان‌ها و بازگذاشتن دریچه‌های روی تانکر برای عدم تراکم گاز آن و مواردی دیگر از این قبیل.

4/4- در تعدادی از موارد مکشوفه، وجود اهداف ضدامنیتی و ضدمردمی احراز شده است. به‌این ترتیب که یک یا تعدادی از شیوه‌های پیش‌گفته با هدف ایجاد ناامنی یا دامن‌زدن به انگاره‌ی ضعف امنیت در کشور، ایجاد التهاب و آشوب و اعتراض به‌منظور فیلم‌برداری و انعکاس به شبکه‌های فارسی زبان معاند و یا با هدف ایجاد تجمع در مقابل آموزشگاه‌ها صورت گرفته است. عوامل این قبیل موارد غالباً بازداشت و تحویل مرجع قضایی شدند.

5/4- عامل هراس جمعی:

هراس جمعی (هیستری جمعی) شکلی از اختلال روانزاد است که معمولاً از یک نفر شروع و به سرعت در جمعی از افراد

منتشر می‌شود. این اختلال زمانی رخ می‌دهد که افراد یک اجتماع به‌طور همزمان تحت تأثیر یک محرک تنش‌زا واقع می‌شوند؛ حتی در پی این عارضه برخی علائم فیزیکی ناشی از تنش‌های ذهنی نیز بروز پیدا می‌کند و در حقیقت این افراد به‌طور ناگهانی اعتقاد پیدا می‌کنند که توسط یک عامل خارجی بیمار شده‌اند. اگرچه اغلب موارد هراس جمعی در ابتدا به‌عنوان مسمومیت، حمله شیمیایی و یا بیوتروریسم تلقی می‌شود ولی بررسی‌ها هیچ اثری از توکسین یا عامل شیمیایی را نشان نمی‌دهد و در کلیه موارد، مبتلایان به سرعت و بدون کوچک‌ترین عوارضی بهبود می‌یابند.

این عارضه نه مختص مقطع فعلی و نه منحصر به کشور ماست. نمونه‌های تاریخی (از تاریخ قدیم و معاصر) و جغرافیایی (از قاره‌های مختلف جهان) و مصادیق فراوانی دارد. من جمله در سال‌های 1962 و 2008 در تانزانیا؛ 1965 در انگلستان؛ 1976، 1988، 2002، 2011 در آمریکا؛ 1983 در کرانه باختری؛ 1990 در کوزوو؛ 1993 در مصر؛ 2006 در پرتغال؛ 2007 در برزیل؛ 2010 در برونی؛ 2013 در سریلانکا و 2018 در امارات.

در کشورمان نیز مصادیقی از کرمان در سال‌های 1365 و 1371؛ یزد در سال 1373 و سردشت در سال 1381 وجود داشته است.

نکته قابل توجه آن‌که در مصادیق ایرانی و جهانی علائم و عوارض مشابهی مطرح می‌شوند. همچنین بیشترین فراوانی در عامل شروع کننده، وجود یک بو در محیط و یا ادراک بویایی غیرواقعی، شروع کنندهی ایجاد هراس جمعی بوده است. مکان رخداد این پدیده غالباً در مدارس بوده است. سن غالب، زیر 20 سال؛ جنسیت مبتلایان به این عارضه غالباً در دختران بوده است.

مدتی پس از آغاز رویدادهای ماه‌های گذشته در مدارس کشور، تعدادی از حاذق‌ترین پزشکان و روان‌شناسان ایرانی، فرضیهی هراس جمعی را مطرح نمودند. بررسی‌های دقیق میدانی، آزمایشگاهی و معاینات بالینی صحت این فرضیه را برای تعداد قابل توجهی از مدارس اثبات نمود.

5- یافته‌های میدانی، آزمایشگاهی و نتایج بررسی‌های ستادی و مطالعات آماری وقایع:

1/5- در هیچ یک از یافته‌های صحنه‌ی و بررسی‌های آزمایشگاهی در معتبرترین آزمایشگاه‌های کشور، هیچ‌گونه ماده سمی که قابلیت ایجاد مسمومیت را دارا باشد، مشاهده نشد.

2/5- به فضل الهی هیچ مورد فوتی یا عوارض جسمانی مانا و بلند مدت وجود نداشته است.

3/5- در اکثر قریب به اتفاق روش‌های درمانی اعمال شده برای مراجعینی که اعلام بدحالی نموده و به درمانگاه‌های مختلف مراجعه کرده‌اند، صرفاً درمان‌هایی در حد دریافت اکسیژن، سرم و داروهای آرام‌بخش بوده است.

4/5- میانگین حضور مراجعین در درمانگاه‌ها حدود دو ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آن‌ها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن‌هم به دلیل اضطراب).

5/5- اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از مشاهدات، بوهای استنشامی یا عوارض جسمانی قابل تأمل بود (مثلاً در مورد جامد، مایع یا گاز بودن مواد ادعا شده؛ رنگ مواد؛ بوی مواد؛ تنوع عوارض اعلامی و ...).

6/5- حالت سرایت ادعاها از اماکن نزدیک به یکدیگر (عامل همجواری) به گونه‌ای که با ادعای بدحالی در یک کلاس، دانش‌آموزان کلاس دیگر پس از اطلاع از وضعیت آن کلاس، اعلام بدحالی کرده‌اند، در حالی که کلاس‌های غیرمطلع، هیچ مشکلی را اعلام نکرده‌اند.

7/5- از نکات بسیار قابل تأمل این‌که در اکثر قریب به اتفاق موارد، ادعای بدحالی مختص دانش‌آموزان بوده است و مصادیق بسیار نادر و انگشت شماری از اعلام مسمومیت در کادر آموزشی یا عوامل خدماتی مدارس گزارش شده است.

8/5- «تمارض» یکی از عوامل اثبات شده به تعداد قابل توجه، بوده است. در بررسی انگیزه‌های تمارض، سه انگیزه‌ی بازیگوشی، فرار از درس و امتحان، و در موارد اندکی انگیزه‌های القایی دیگران، به‌منظور ایجاد التهاب و اغتشاش دخیل بوده است.

9/5- در بررسی‌های ستادی و مطالعات آماری، 86% از مدارس اعلام کنندهی بدحالی، دخترانه و 14% پسرانه بوده‌اند.

10/5- از آموزشگاه‌های یاد شده به تفکیک مقطع تحصیلی به ترتیب: 68% مقطع متوسطه دوم، 16% مقطع ابتدایی، 15% مقطع متوسطه اول و 1% خوابگاه دانشجویی دختران بوده‌اند.

11/5- فراوانی دانش‌آموزان دارای ادعای بدحالی در استان‌های مختلف به ترتیب: بیشترین تعداد دانش‌آموز به‌لحاظ اعلام مسمومیت استان خوزستان و کمترین تعداد دانش‌آموز در استان خراسان جنوبی بوده است.

6- نقش اردوگاه خصم در شکل‌گیری و استمرار غائله‌ی مدارس

وزارت اطلاعات در چند اطلاعیه و بیانیه‌های تبیینی مقطع اغتشاشات، در مورد نقش رژیم تروریست آمریکا و ایادی و گروهک‌های رنگارنگی که به نیابت از آن رژیم در اغتشاشات پاییز گذشته به ایفای نقش پرداختند، اطلاعات شفافی منتشر نمود. طی آن اغتشاشات، آمریکا و دنباله‌روهای اروپایی، منطقه‌یی و عمال داخلی‌اش، گسترده‌ترین و قوی‌ترین عملیات شناختی، روانی و تروریستی را برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی به اجرا گذاشتند تا آن‌جا که ابلهانه و خام اندیشانه، نام انقلاب بر پروژهی ضدملی اغتشاش و خرابکاری و ایرانی‌کشی گذاردند. اما ایستادگی سترگ ملت ایران و رهبری حکیمانه‌ی مقام معظم ولایت فقیه (مدظله‌العالی) و هوشیاری و فداکاری نیروهای حافظ امنیت کشور، بزرگترین پروژهی براندازی خصم وحشی و جنگ ترکیبی را نقش بر آب کرد و سرمایه‌گذاری‌های سنگین مالی، اطلاعاتی و نیروی انسانی آن‌ها را به «هباءً منثورا» تبدیل نمود. [2]

بر مبنای اطلاعات موثق، رژیم مافیایی آمریکا پس از تجزیه و تحلیل علل شکست بزرگ خود و تشخیص سه عامل ناکامی پروژه اغتشاشات، انتقام‌گیری از آن سه عامل را در سرلوحه‌ی اقدامات مخرب خویش قرار داد:

(الف) از پیش به نقش رهبری حکیم انقلاب در ایستادگی و بالندگی نظام، واقف و ایشان را هدف تهاجمات ناجوانمردانه‌ی خویش قرار داده بودند. اینک حمله‌ی همه جانبه به معظم‌له و متهم سازی ایشان را در کلیه‌ی مسائل و رویدادهای کشور، درصدر توطئه‌های خویش قرار دادند.

(ب) عدم همراهی قاطبه‌ی ملت با عوامل اغتشاشات پاییز را از دلایل عمده‌ی ناکامی آن پروژه تحلیل نمودند. بنابراین «خلق غائله‌یی دیگر که توده‌ی مردم را به ستوه آورد و به اعتراض وا دارد» در اولویت اقدامات شیطانی آن‌ها قرار گرفت.

(ج) هوشیاری، پابرداری، اشراق و فداکاری نیروهای حافظ امنیت کشور را از دلایل مؤثر در مهار جنگ همه‌جانبه و ترکیبی یافتند؛ لذا این بار همان مؤلفه‌ی اقتدار نظام یعنی امنیت و نیروهای حافظ آن‌را به‌عنوان هدف خاص خویش قرار دادند.

در این خصوص مواردی به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

1/6- همزمان با پروژهی اغتشاشات پاییز 1401، نشانه‌هایی از تلاش عوامل دشمن برای هدف قرار دادن دانش‌آموزان (به‌ویژه دختران) و به تعطیلی کشاندن مدارس ملاحظه شد. به‌عنوان مثال در تاریخ ششم آذر ماه 1401 و سه روز پیش از ادعای مسمومیت در مدارس قم، یکی از حساب‌های کاربری فعال ضدانقلاب، چگونگی تعطیلی مدارس از طریق تولید و انتشار بوی نامطلوب را ذیل پروژهای به نام «راهکاری برای به اعتصاب کشاندن مدارس و ادارات» آموزش داده است. پس از آن یکی از حساب‌های کاربری حامی رژیم صهیونیستی خط «نفرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را ترویج کرده است. حساب کاربری دیگری از حامیان رژیم صهیونیستی، صبح روز نهم آذر ماه (روز اولین حادثه‌ی اعلامی استان قم) متنی تهدیدآمیز منتشر و در آن متن به اقدامات دختران دبیرستانی محله‌ی خاصی در قم اشاره کرده و در همان روز آن‌را برای حساب کاربری «اسرائیل به فارسی» و دیگر کانال‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود.

بررسی‌های بعدی نشان دادند که از تیرماه 1401 دو کانال و صفحه‌ی مشخص مبادرت به ارتباط گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده‌ی بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آن‌ها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی که در ترویج دروغ مسمومیت ایفا کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذی‌ربط بازداشت شدند.

ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه‌ی آمریکایی- صهیونیستی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ 25 شهریور 1401، خط «نفرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصداقی دیگر در اواخر مهر ماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید.

پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید به مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و ایادی داخلی آن‌ها تولید و منتشر شدند.

2/6- امپراطوری رسانه‌ای جریان سلطه از همان آغاز، با شیوه و حجمی که بیانگر آمادگی قبلی می‌باشد، به صحنه ورود نموده و به موج‌آفرینی کم سابقه پیرامون موضوع و متهم‌سازی نظام به ناکارآمدی پرداختند و در نهایت نظام را به‌عنوان عامل ایجاد مسمومیت در مدارس دخترانه معرفی کردند! جریان تحریف با روایت‌سازی مجعول، ادبیاتی همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» را تولید و ترویج کرد. علاوه بر آن به مشابهت‌سازی این رویدادها با حوادثی همچون برخی اسیدپاشی‌ها در گذشته و همانندسازی با برخی رفتارها و تصمیمات گروه طالبان در خصوص تحصیل و اشتغال زنان و تولید انگاره‌های ذهنی از «انتقام نظام از زنان به‌دلیل اغتشاشات پاییز 1401 و ...» پرداختند.

3/6- همزمان با جریان مسلط رسانه‌یی اردوگاه دشمن، متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و انسان رسانه‌های وابسته و بعضی تربیون‌های خاص در مرکز و برخی استان‌ها و تعدادی از سیاسیون امتحان پس داده و مردود شده و عوامل فتنه 88، همان خطوط ابلاغی امپراطوری رسانه‌ای جریان سلطه را، عیناً در پیش گرفتند. در میان این جماعت، گروهی وجود دارند که پیش از این و در انتخابات سال 88 نظام را متهم به تقلب، در حوادث 96 و 98 حاکمیت را متهم اصلی آشوب و عامل کشتار، در

حادثه‌ی تروریستی فجیع و دلخراش حرم شاهچراغ (سلام‌الله‌علیه) نظام را عامل آن واقعه (حتی پس از شناسایی و بازداشت تروریست‌های تکفیری!)، در رویداد تلخ درگذشت دختری در محل پلیس امنیت اخلاقی و در مجموعه‌ی اغتشاشات پس از آن و کشته شدن تعدادی از هموطنان، در همه‌ی این رویدادها و سوانح و حوادث، نظام مظلوم جمهوری اسلامی یا نیروهای بسیجی و جریانات معتقد و حامی نظام را به‌عنوان عامل مستقیم انجام جنایت معرفی می‌کردند.

مضاف بر این‌ها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل وقایع پیش‌گفته، به‌دنبال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و سنین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و متهم‌سازی نظام بود. این جریان علاوه بر کشته‌سازی‌های متعدد و متنوع مقطع اغتشاشات 1401، در جریان مسمومیت‌های ادعایی مدارس، چندین تلاش پرحجم به‌عمل آورد که جملگی با شکست مواجه شدند. به‌عنوان نمونه فوت ناسف بار دختر نوجوان قمی، مرحومه فاطمه رضایی بر اثر بیماری، موجب سوءاستفاده‌ی بی‌رحمانه و ناجوانمردانه‌ی جریانات معاند داخلی و خارجی شد. سرمایه‌گذاری برق‌آسایی برای این واقعه‌ی غم‌انگیز به‌عمل آوردند تا آن‌جا که در روز اول انتشار این درگذشت به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتگ به‌نام فاطمه رضایی، از سوژه‌ی قبلی آن‌ها پیشی گرفت. اما توضیحات صادقانه و به‌هنگام خانواده‌ی محترم رضایی، سبب رسوایشان در جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعاتی پس از انتشار شایعه‌ی فوت آن مرحومه و اوج‌گیری انتشار محتوا با نام وی، هشتگ‌ها میرا شد. پس از این ناکامی، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتگ‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین هشتگ میرا شده کردند!

4/6- موضع‌گیری بیگانگان و سازمان‌های بین‌المللی

همچون همه‌ی غائله‌های مورد علاقه یا تولید شده توسط بیگانگان، در ماجرای مسمومیت‌های ادعایی نیز پس از آتش تهبیه سنگین توپخانه‌های جنگ رسانه‌ای غربی و ایادی آن‌ها، مقامات و دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دنباله‌رو آنان وارد ماجرا شدند. صرف نظر از ده‌ها مصداق حاصل از روش‌های جمع‌آوری پنهان که از پشت پرده‌های اقدامات و اظهارات آن‌ها در محافل خصوصی وجود دارد، صرف توجّه به مواضع آشکار کانون‌های مورد اشاره نیز می‌تواند گویای ذوق‌زدگی از وقوع برخی رویدادهای مدارس و سوءاستفاده از آن‌ها باشد. به‌عنوان نمونه سفیر انگلستان در تهران ضمن اعلام ظاهری همدردی با خانواده‌های ایرانی، بلافاصله سربالی بودن مسمومیت‌ها را القاء و از «پایان ناپذیر بودن آن‌ها» خبر می‌دهد (... مسمومیت‌های سربالی که تمامی ندارد!).

نمونه‌ی دیگر، اظهارات وزیر خارجه‌ی آلمان بود که دلیل مسمومیت‌های ادعایی را «حملات با گاز شیمیایی» تشخیص و اعلام می‌نماید! البته حافظه‌ی تاریخی ملت ایران با تخصص دولت آلمان در تولید و بهره‌برداری از گازهای شیمیایی در تسلیحات نامتعارف و صدور آن برای بعضی‌ها در زمان حمله‌ی آن‌ها به ایران، کاملاً آشنا است.

از همین دست، قضاوت رئیس کمیته‌ی روابط خارجی مجلس نمایندگان رژیم مافیایی آمریکا است که او نیز عمدی بودن اتفاقات و گاز سمی بودن مواد را ادعا می‌نماید.

پارلمان اروپا در اسفند ماه گذشته با تصویب قطعنامه‌ای ضمن طرح اتهامات واهی و بی‌اساس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، «مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران را به ساکت کردن زنان و دختران در ایران مرتبط دانسته» و آن‌را محکوم می‌نماید!

کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل بر ضرورت «تحقیقات شفاف و مجازات عاملان مسمومیت دانش‌آموزان در ایران» تأکید می‌نماید، فارغ از این‌که مراجع قضایی ایران هر جنایت‌کاری را محاکمه و مجازات نمایند، همین دار و دسته‌ی ریاکار به حمایت از محکومان و جنایت‌کاران بر می‌خیزند.

این قبیل اعلام نگرانی‌ها و همدردی‌های مُزورانه در حالی است که عوامل همه‌ی عملیات تروریستی گذشته علیه ملت مظلوم ایران در خاک آمریکا، اروپا و کانادا حضور دارند و تحت‌الحماهی رسمی دولت‌های آن کشورها هستند. مضاف بر این، هم‌اینک و در ماجرای «مسمومیت‌های القایی مقامات غربی» نیز عواملی در خاک کشورهای فوق‌الذکر زندگی می‌کنند که به‌صورت کاملاً آشکار و با آزادی کامل، روش‌های ایجاد مسمومیت و مصدومیت در مدارس دخترانه، آن‌هم تحت عنوان «خرابکاری شرافتمندانه» را آموزش می‌دهند و این اعمال مجرمانه رسماً به اطلاع رژیم‌های یادشده رسیده، اما آن‌ها نه تنها هیچ اقدام بازدارنده‌ای به عمل نیاورده‌اند، بلکه مجرمین را هرچه بیشتر تحت حمایت مادی، معنوی و امنیتی خویش قرار داده‌اند.

7- سخن آخر و جمع‌بندی پایانی

1/7- نتیجه‌ی نهایی تحقیقات پیرامون موارد مجهولی که در ابتدا هدف گذاری شدند به این شرح است:

الف) مواد سمی در هیچ‌یک از مدارس کشور پخش نشده است؛ اما عوامل غیررسمی که موجب ایجاد هراس شده‌اند، به‌طور سهوی یا عمدی در برخی از محیط‌های گزارش شده استعمال شده است.

ب) در خصوص عوامل انسانی، افراد متعددی که متهم به کاربست مواد فوق‌الذکر بودند شناسایی، احضار یا بازداشت شدند و به تناسب تخلفات یا جرایم خود، مورد تذکر، تشکیل سابقه یا معرفی به مرجع محترم قضایی قرار گرفتند.

ج) قطعاً شبکه‌ی انتشار مواد مسموم‌کننده در کشور، وجود نداشته اما شبکه‌های متعدد در فضای مجازی (از داخل یا خارج از

کشور) به تولید و انتشار شایعات، دامن زدن به مدرسه‌هراسی، تلاش برای تعطیلی مدارس، به اعتراض کشاندن اولیاء دانش‌آموزان، متهم‌سازی تعمدی نظام جمهوری اسلامی و افراد و جریان‌ات معتقد به نظام، به تعداد قابل توجهی ردیابی و شناسایی شدند که جملگی آن‌ها تحت تعقیب قرار گرفته یا خواهند گرفت.

2/7- نقش عامل هراس جمعی در بسیاری از وقایع مورد نظر، انکار ناپذیر می‌باشد.

3/7- ایفای نقش دشمن در دامن‌زدن به غائله، کاملاً محرز و انکارناپذیر است. اعم از افراد، کانون‌ها، گروهک‌ها و حساب‌های کاربری و رسانه‌های جریان مسلط رسانه‌پی غربی (به‌ویژه فارسی زبان‌ها) که در چند ماه گذشته این موضوع را هدف و سوژه اصلی خویش قرار داده بودند؛ و نیز تعدادی از سیاسیون بیگانه و نهادهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی که نقش آتش بیار معرکه را ایفا کردند، هر یک حلقه‌یی از زنجیره‌ی جنگ ترکیبی را تشکیل دادند.

4/7- با توجه به مجموعه آثار منفی و مخرب موضوع مسمومیت‌های ادعایی بر جامعه به‌ویژه بر دانش‌آموزان و نونهالان کشور و اولیاء محترم آن‌ها و بر درس و تحصیل و تلاش‌های علمی کشور، اراده‌ی قطعی نظام بر برخورد جدی و بدون اغماض با عوامل دامن زننده به آن می‌باشد.

5/7- حق پی‌گرد قانونی افراد، گروه‌ها، رسانه‌ها و انسان‌رسانه‌های وابسته‌یی که در امتداد خط دشمنان ملت ایران، اتهاماتی به نظام یا به افراد و جریان‌ات بی‌گناه وارد کردند محفوظ خواهد بود.

6/7- از آن‌جا که دشمنان ایران و اسلام در هر صورت و به هر شکلی دشمنی خود را بروز می‌دهند، از مردم شریف ایران، به‌ویژه از اولیای محترم دانش‌آموزان استدعا دارد که همچون گذشته، با حفظ آرامش و هوشیاری حداکثری، هرگونه موارد مشکوک را به ستاد خبری وزارت اطلاعات (113) یا به سایر دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشور اعلام فرمایند.

برچسب‌ها: [وزارت اطلاعات](#) [1]

[آموزش و پرورش](#) [2]

[حوادث](#) [3]

[تروریسم](#) [4]